بررسی تحولات یمن در گفت‌وگو با سیدعلی موسوی خلخالی، کارشناس مسائل غرب آسیا

تجزیه یمن به ضرر عربستان است

گفت‌وگو
روح‌الله صالحی

عربستان سعودی و امارات با هدف مشترک مبارزه با جنبش انصارالله، جنگ علیه مردم یمن را شروع کردند ولی حالا پس از گذشت چهار سال، منافع دو کشور در تضاد با یکدیگر قرار گرفته و ائتلاف سعودی را در آستانه فروپاشی قرار داده است. درحالی که جنبش انصارالله یمن با پیشروی در عمق خاک عربستان و تقویت قدرت موشکی و پهپادی معادله جنگ را به نفع یمنی‌ها تغییر داده، شکاف‌ها در جبهه متجاوزان به یمن افزایش یافته است. با تشدید اختلافات بین ابوظبی و ریاض و شکست‌های پی‌درپی در برابر گروه‌های یمنی، آینده ائتلاف سعودی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. اتخاذ راهبرد تهاجمی انصارالله و خروج نیروهای امارات از یمن و تلاش مزدوران ابوظبی برای جدایی جنوب یمن، عربستان سعودی را در باتلاق جنگ و فشار ناشی از جنایت‌های جنگی تنها گذاشته و سناریوهای سختی را پیش‌روی این کشور قرار داده است. سیدعلی موسوی خلخالی، کارشناس مسائل غرب آسیا در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: «امارات چون مرزهای مشترکی با یمن ندارد تجزیه این کشور برایش مهم نیست و چون نگاه اقتصادی به یمن دارد، سعی می‌کند تا جنوب این کشور را تجزیه کرده و جدایی‌طلبان جنوب را حمایت کند. اما عربستان سعودی به خاطر اینکه مرزهای مشترکی با یمن دارد دنبال تجزیه یمن نیست، چون تجزیه یمن باعث شکل‌گیری قدرت‌هایی می‌شود که ممکن است با سیاست‌های عربستان همسویی نداشته باشند و سعودی‌ها نتوانند آنها را کنترل کنند.» به گفته موسوی، در حال حاضر، عربستان در حالت ضعف قرار گرفته و در گوشه رینگ گیر افتاده است که ضربات مهلکی را دریافت می‌کند ولی توانایی مقابله ندارد. موسوی تأکید کرد: «پرونده یمن برای محمد بن‌سلمان مثل خار در چشمی است که زخم آن روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود و در آخر می‌تواند او را از پا درآورد.»

در چهارسالگی از جنگ ائتلاف عربی علیه یمن، اختلافات بین عربستان سعودی و امارات در یمن تشدید شده و این ائتلاف را به آستانه فروپاشی کشانده است. دلیل اصلی اختلافات عربستان و امارات درباره یمن به‌ویژه در ارتباط با درگیری‌های اخیر عدن چیست؟ برخی تحلیلگران این اختلافات را جدی تلقی می‌کنند و برخی به دیده تردید به آن می‌نگرند. نظر شما چیست؟

رقابت بین امارات و عربستان سعودی در منطقه از ابتدا وجود داشته و حتی در شورای همکاری خلیج فارس هم که دو کشور حضور دارند، در حال رقابت با یکدیگر هستند. امارات به‌واسطه جایگاه اقتصادی و تجاری که در منطقه دارد و عربستان هم به واسطه موقعیت جغرافیایی، صدور نفت و همچنین ام‌القرا بودن خود به‌واسطه وجود مکه و مدینه، همدیگر را رقیب می‌دانند و ادعاهایی در منطقه دارند. عربستان می‌خواهد حرف اول را در شورای همکاری خلیج فارس بزند و دوست دارد همه کشورها تابع سیاست‌های ریاض باشند. امارات هم به‌واسطه رونق اقتصادی که در شهر دوبی به دست آورده و جایگاه اقتصادی این کشور را در منطقه تقویت کرده، در سال‌های اخیر ادعاهایی را در منطقه داشته است که می‌تواند رقیبی برای عربستان باشد و به دنبال کسب وجهه و جایگاهی برای خود در منطقه است. این یک استراتژی کلانی است که هر دو کشور همیشه دنبال کرده‌اند.

عربستان از سال‌ها پیش در معادلات منطقه‌ای حضور داشته و با ایران و ترکیه رقابت می‌کرد و تصور می‌کرد در جهان عرب هم باید کشور مصر را کنار بزند و فکر می‌کرد سه پایه قدرت در منطقه، ایران، ترکیه و عربستان هستند. اما امارات که به‌تازگی به معادلات منطقه اضافه شده، به‌خاطر وضعیت اقتصادی، خود را پایه چهارم قدرت در منطقه می‌داند. این رقابت در همه ائتلاف‌ها وجود داشته است و نباید تصور کنیم امارات و عربستان سعودی در یک راستا حرکت می‌کنند و تابع هم هستند. ادعاهای امارات در سال‌های اخیر فرامرزی شده و این کشور سرمایه‌گذاری‌هایی را در کشورهای شاخ آفریقا انجام داده است و در یمن نیز این سیاست را دنبال می‌کند تا جایگاه منطقه‌ای خود را مستحکم‌تر کند.

اختلاف بین امارات و عربستان در یمن، از زمانی شکل گرفت که بحث حمله به نفتکش‌ها و حملات به پایگاه‌های عربستان و امارات مطرح شد و نقطه اوج این اختلافات، سرنگونی پهپاد امریکایی توسط نیروهای ایرانی بود که تمام معادلات منطقه‌ای را به هم ریخت. پس از سرنگونی پهپاد امریکایی، کشورهای عربی به این نتیجه رسیدند که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری امریکا مثل جورج بوش، جنگ‌طلب نیست و تنها دنبال منافع کاخ سفید و خودش است و به این جمع‌بندی رسیدند که نمی‌توانند روی دولت ترامپ حساب باز کنند. بنابراین، در سیاست‌های خود در منطقه تجدیدنظر کردند. امارات این خطر را زودتر احساس کرد و همه معادلات خود را به‌ویژه در یمن تغییر داد.

ائتلاف عربستان در یمن بر اساس منافع تشکیل شده است و هریک از طرفین وقتی ببینند به اهداف خودشان نرسیده‌اند از آن خارج می‌شوند. قطر در ابتدا عضو این ائتلاف بود و تصور می‌کرد با مشارکت در این جنگ، می‌تواند گروه اخوان‌المسلمین را در یمن به قدرت برساند ولی وقتی مشاهده کرد که وضعیت به نفعش نیست، از این ائتلاف خارج شد. امارات هم بر اساس منافع اقتصادی وارد ائتلاف عربستان شده بود. رسیدن به این اهداف، کشورها را در ائتلاف نگه داشته است.

با توجه به اختلافات عربستان و امارات در جنوب یمن، این احتمال وجود دارد که ائتلاف عربی را تحت تأثیر خود قرار داده و توان عملیاتی عربستان در یمن را کاهش دهد. این اختلافات چقدر می‌تواند در روند جنگ یمن تأثیرگذار باشد؟ برخی معتقدند عربستان خواهان یکپارچگی یمن است اما یمنی که عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهور فراری و دست‌نشانده ریاض رهبری را آن به عهده داشته باشد ولی امارات با حمایت از جدایی‌طلبان جنوب یمن خواهان تجزیه این کشور است. آیا می‌توان سقوط عدن را توطئه پنهان امارات در یمن قلمداد کرد که عملیاتی شد؟ هدف امارات از تحرکات جدید در جنوب یمن چیست؟ آیا این اختلافات می‌تواند به نفع انصارالله باشد؟

از مدت‌ها پیش روشن بود که امارات دنبال تجزیه یمن است و به‌واسطه اینکه شهر عدن و مجموعه‌ای از چاه‌های نفتی در جنوب یمن وجود دارد، این منطقه اهمیت زیادی برای ابوظبی دارد. امارات چون مرزهای مشترکی با یمن ندارد تجزیه این کشور برایش مهم نیست و چون نگاه اقتصادی به یمن دارد، سعی می‌کند تا جنوب این کشور را تجزیه کرده و جدایی‌طلبان جنوب را حمایت کند. اما عربستان سعودی به‌خاطر اینکه مرزهای مشترکی با یمن دارد دنبال تجزیه یمن نیست، چون تجزیه یمن باعث شکل‌گیری قدرت‌هایی می‌شود که ممکن است با سیاست‌های عربستان همسویی نداشته باشند و سعودی‌ها نتوانند آنها را کنترل کنند. همچنانکه مقامات سعودی به‌خاطر اینکه در چهار سال گذشته در یمن موفقیتی کسب نکرده‌اند تحت فشارهای داخلی هستند. بنابراین، اگر یمن تجزیه شود و بخش زیادی از این کشور تحت کنترل عربستان نباشد، به ضرر سعودی‌ها خواهد بود. لذا، عربستان به دنبال یکپارچه نگه داشتن یمن است اما برای امارات ماجرا فرق می‌کند.

درصورتی که تضاد دیدگاه بین امارات و عربستان نسبت به یمن ادامه داشته باشد، ائتلاف عربی فروپاشی خواهد کرد. الان تعداد نیروهای سودانی، پاکستانی و مصری که در ابتدای جنگ در ائتلاف حضور داشتند، به طور قابل توجهی کاهش یافته است و تنها کشوری که در یمن حضور نظامی داشت، امارات بود که آن هم در هفته‌های اخیر، بخش زیادی از نیروهایش را خارج کرده و مبارزه میدانی را به نیروهای نیابتی خود در جنوب یمن سپرده است که خواهان جدایی‌طلبی هستند. این جدایی‌طلبان مورد تأیید عربستان نیستند و برای خودشان اهدافی را تعیین کرده‌اند و در صورت رسیدن به این اهداف، ممکن است پیشروی در برابر انصارالله را متوقف کنند؛ چراکه تنها خواسته آنها استقلال منطقه جنوب است و به یکپارچگی یمن اعتقادی ندارند.

الان مقامات عربستان سردرگم مانده‌اند، می‌خواهند یمن را یکپارچه حفظ کنند اما ابزار و توانایی لازم برای محقق کردن این برنامه را ندارند. این تحولات می‌تواند به نفع انصارالله باشد اما اینکه توانایی این جنبش تا کجا ادامه پیدا خواهد کرد که بتواند کل یمن را تحت کنترل خود بگیرد هنوز مشخص نیست. انصارالله در شرایط فعلی، دست برتر را در تحولات یمن دارد، زیرا اختلافات داخلی ندارد و مناطق تحت نفوذشان روشن است و زندگی در آنها جریان دارد. درحالی که در مناطق تحت کنترل نیروهای وابسته به عربستان و امارات، اختلافات زیادی وجود دارد و این مسئله برای ریاض و ابوظبی می‌تواند سنگین تمام شود ولی برای انصارالله که در وضعیت باثباتی قرار دارد، سودمند خواهد بود.

همچنین بعد از اقدامات اخیر امارات در یمن، عربستان فکر می‌کند که از دو جبهه از طرف متحدانش ضربه خورده است و چون نتوانسته در جنگ یمن هم موفقیتی کسب کند، احساس زیان می‌کند. شاید این وضعیت در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به نفع اماراتی‌ها باشد اما اگر این جنگ به نقطه مطلوب نرسد و وارد فاز فرسایشی شود، همه طرف‌ها دچار خسارت می‌شوند.

چرا عربستان در مقابل اقدامات امارات در جنوب یمن سکوت کرده است و اقدام خاصی انجام نمی‌دهد؟

عربستان از اینکه اخوان‌المسلمین بتواند از این شرایط به نفع خود استفاده کند، نگران است و اگر اخوانی‌ها با انصارالله توافق راهبردی داشته باشند، سعودی‌ها بیشتر متضرر خواهند شد. این اتفاق می‌تواند به ضرر امارات هم باشد چون آنها هم از قدرت‌گیری اخوان‌المسلمین نگران هستند اما بیشترین ضرر متوجه منافع عربستان است که در خط مقدم مبارزه با اخوان‌المسلمین قرار دارد. از یک طرف، قدرت و توانایی عربستان در جنگ یمن تحلیل رفته و بودجه‌ای که برای جنگ یمن اختصاص داده بود در حال پایان یافتن است و نمی‌تواند بیش از این هزینه‌های مالی را تحمل کند و از طرف دیگر، به خاطر شکست عربستان در جنگ یمن، اختلافات داخلی در این کشور افزایش یافته است. از بعد بین‌المللی هم فضا برای عربستان برای ادامه جنگ در یمن مساعد نیست، اروپایی‌ها از ادامه جنگ ناراضی هستند و هرچند واکنش جدی نشان نمی‌دهند اما در رسانه‌ها اینگونه وانمود می‌کنند که به هیچ وجه از این جنگ رضایت ندارند. امریکایی‌ها هم که تا چند ماه پیش از عربستان حمایت می‌کردند الان حمایت‌هایشان را کاهش داده‌اند. بنابراین، عربستان در تمامی جبهه‌ها در حال تضعیف شدن است و این مسئله سبب می‌شود در مقابل امارات نتوانسته از مهره دست‌نشانده خودش یعنی **منصور هادی حمایت کند. تحلیل شما در این زمینه چیست؟**

بله، این مسئله را در کوتاه‌مدت می‌توان درست تلقی کرد. عربستان الان هم از سوی امریکا تحت فشار است و پس از تصویب منع فروش سلاح به عربستان در کنگره امریکا، سعودی‌ها به نوعی در منگنه قرار گرفته‌اند.

> **عربستان الان هم از سوی امریکا تحت فشار است و پس از تصویب منع فروش سلاح به عربستان در کنگره امریکا، سعودی‌ها به‌نوعی در منگنه قرار گرفته‌اند. همچنین بعد از اقدامات اخیر امارات در یمن، عربستان فکر می‌کند که از دو جبهه از طرف متحدانش ضربه خورده است و چون نتوانسته در جنگ یمن هم موفقیتی کسب کند، احساس زیان می‌کند**

با این تفاسیر، آیا امارات توانایی و ابزار کافی برای تجزیه یمن را در اختیار دارد و می‌تواند جنوب این کشور را جدا کند؟

این مسئله را باید در طولانی‌مدت ببینیم اما اگر از لحاظ نظری نگاه کنیم، امارات توانایی چنین کاری را ندارد. اماراتی‌ها تنها با صرف پول می‌خواهند برنامه‌هایشان را به پیش ببرند؛ چراکه نیروهای نظامی‌شان محدود است و همچنین نگاه استراتژیک و طولانی‌مدت به موضوع ندارند و اگر بخواهند این سناریو را عملی کنند، قابل دستیابی نیست و در شرایط فعلی بعید است. بنابراین، تلاش‌های تجزیه‌طلبانه امارات سبب می‌شود تا جنگ یمن تشدید شود و ممکن است به ضرر اماراتی‌ها تمام شود.

برخی تحلیلگران معتقدند با کنترل جنوب یمن به دست نیروهای وابسته به امارات، این اقدام کفه توازن قوا را در جنوب یمن به نفع امارات سنگین‌تر کرده چراکه عربستان هم به عنوان یک رقیب ضعیف‌تر شود.

> **اگر بن‌سلمان وارد مذاکره با انصارالله شود زیاد جای تعجب نیست، برای اینکه او به‌واسطه فشارهای همه‌جانبه داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی به‌دنبال مفری از این تنگناست. پرونده یمن برای محمد بن‌سلمان مثل خار در چشمی است که زخم آن روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود و در آخر می‌تواند او را از پا درآورد**

در ماه‌های اخیر، حملات پهپادی انصارالله به خاک عربستان موازنه میدانی را به نفع یمنی‌ها تغییر داده است، به نظرتان واکنش انصارالله به توطئه‌های عربستان و امارات در جنوب یمن چه خواهد بود؟ آیا عملیات گسترده اخیر انصارالله در واکنش به تحولات جنوب یمن بود؟ با تصرف عدن به دست امارات، واکنش انصارالله به این اقدام اماراتی‌ها چه خواهد بود، به‌خصوص که انصارالله هشدار داده در صورت عمل نکردن ابوظبی به وعده‌هایش، به حملات خود به امارات ادامه خواهد داد؟

نمی‌دانم که اماراتی‌ها به انصارالله چه وعده‌هایی داده بودند ولی احتمال می‌دهم که انصارالله انتظار پایان جنگ را داشتند و اینکه امارات از ائتلاف عربی خارج شود. اگر اماراتی‌ها به جنگ ایذایی در یمن ادامه بدهند و تلاش کنند تا جریان جدایی‌طلب جنوب را در برابر انصارالله حمایت کنند، قطعاً انصارالله واکنش نشان خواهد داد و جنگ را به خاک امارات هم می‌کشاند. در ماه‌های اخیر دیدیم که هر وقت جنگ به خاک امارات کشیده شده، اماراتی‌ها عقب‌نشینی کردند و اگر حملات یمنی‌ها بار دیگر به امارات شروع شود، احتمالاً این بار هم عقب‌نشینی خواهند کرد.

ادامه حملات انصارالله به خاک عربستان، چه تأثیری بر تحولات داخلی این کشور خواهد داشت؟ آیا اختلافات در خاندان آل سعود تشدید خواهد شد؟

الان محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان با سیاست مشت آهنین همه مخالفان خودش را سرکوب می‌کند ولی اگر جنگ ادامه داشته باشد و حملات یمنی‌ها به خاک عربستان تشدید شود، قطعاً فشارها به بن‌سلمان افزایش می‌یابد و ممکن است نتواند از سیاست مشت آهنین استفاده کافی را ببرد و با ادامه جنگ یمن، شرایط برای مقامات ریاض بیش از پیش سخت‌تر خواهد شد.

با توجه به گزارش‌های منتشرشده، اماراتی‌ها در سفر به ایران، به مقامات ایرانی وعده داده بودند که اوضاع جنوب یمن را بهبود ببخشند ولی چند روز بعد، عدن به دست نیروهای اماراتی سقوط کرد. آیا ایران از اقدام ابوظبی باخبر بوده است یا اینکه امارات توطئه جدیدی در یمن دنبال می‌کند؟

تحرکات امارات برای جدایی جنوب یمن، چیزی است که همه از آن خبر داشتند و این اقدامات از یک سال پیش شروع شده بود و حتماً مقامات وزارت امور خارجه ایران هم از این مسئله اطلاع داشتند و تحرکات امارات را زیر نظر داشته‌اند ولی اینکه اماراتی‌ها مسئله تجزیه یمن را به‌صراحت مطرح کنند، بعید است. شکی نیست که ایران به کشوری مثل امارات که تا چندی پیش در جبهه مخالفان ایران بود، اعتماد نمی‌کند و روی وعده‌های اماراتی‌ها حساب باز نمی‌کند. معلوم نیست اماراتی‌ها در سفر به ایران چه وعده‌هایی داده‌اند ولی به هر حال تحرکاتی که اماراتی‌ها در جنوب یمن انجام می‌دهند، می‌تواند در آینده این اقدامات را توجیه کند که بخشی از یمن را تحت کنترل خودشان گرفته‌اند و مواضعشان را تثبیت کرده‌اند و با این توجیهات بخواهند توافق آتش‌بس انجام دهند.

سعودی‌ها از نزدیک شدن امارات به ایران ناراضی هستند و برخی کارشناسان معتقدند که عربستان برای جلوگیری از پیوندهای تهران و ابوظبی، دست امارات را در جنوب یمن باز گذاشته و با دادن امتیازاتی به این کشور، سعی دارد مانع از فروپاشی ائتلاف ضد یمن شود؛ نظر شما در این باره چیست؟

عربستان وقتی ائتلافی تشکیل می‌دهد و رهبری آن را بر عهده می‌گیرد، تلاش می‌کند تا همه اختلافات را خودش مدیریت کند و کشورهای عضو ائتلاف بدون مشورت ریاض کاری انجام ندهند اما الان ائتلاف سعودی تضعیف شده و کشورهای دیگر در حال خارج شدن از آن هستند و تنها امارات به عنوان شریک مهم باقی مانده است. وقتی امارات بدون مشورت عربستان تلاش می‌کند مشکلاتش را با ایران حل کند، قطعاً سعودی‌ها نگران می‌شوند. اما اینکه عربستان دست امارات را در جنوب یمن باز گذاشته، اینگونه نیست، زیرا عربستان هیچ قدرتی برای رویارویی با امارات در یمن ندارد. الان نیروهای عربستان در یمن دچار تلفات سنگین شده و از مواضع خود در برابر انصارالله عقب‌نشینی کرده‌اند و گزارش‌هایی که در کنگره امریکا مطرح می‌شود، نشان می‌دهد عربستان در میدان یمن شکست خورده و فقط سلاح‌های خود را به هدر داده و نتیجه‌ای کسب نکرده است. در حال حاضر، عربستان در مخمصه‌ای گیر افتاده است که نمی‌داند چگونه بحران را حل کند، به طوری که نزدیک‌ترین متحدش هم ساز مخالف می‌زند ولی توانایی مقابله با آن را ندارد. به نوعی عربستان در حالت ضعف قرار گرفته و در گوشه رینگ گیر افتاده است که ضربات مهلکی را دریافت می‌کند ولی توانایی مقابله ندارد.

با توجه به اختلافات عربستان و امارات شما فرجام ائتلاف عربی در جنگ یمن را چطور ارزیابی می‌کنید؟

الان ائتلاف عربی دچار فرسایش شده است و کشورها یکی پس از دیگری از آن خارج می‌شوند و در عمل تنها عربستان و امارات باقی مانده‌اند و چیزی به نام ائتلاف وجود ندارد. در حال حاضر، تنها جنگنده‌های عربستانی مناطق مختلف یمن را بمباران می‌کنند و حملات هوایی امارات متوقف شده است. عربستان هم اگر بخواهد جنگ را ادامه دهد به تسلیحات جدیدی نیاز دارد و با توجه به مصوبات کنگره برای منع فروش تسلیحات، اگر امریکا تسلیحات و قطعات نظامی را در اختیار عربستان قرار ندهد، جنگنده‌های سعودی هم نمی‌توانند جنگ را ادامه دهند و کار برای سعودی‌ها سخت خواهد شد.

در سایه افزایش تلفات و خسارت‌های عربستان و هم‌پیمانانش، برخی می‌گویند که محمد بن‌سلمان تنها در آرزوی پایان یافتن گرفتاری خود در یمن است، زیرا او قادر نیست جنبش انصارالله و ارتش یمن را شکست دهد. آیا پیش‌بینی می‌شود که عربستان با جنبش انصارالله و ارتش یمن بر سر میز مذاکره بنشیند تا بتواند از باتلاق جنگ یمن خارج شود؟ همچنانکه اخیراً هم برخی منابع اعلام کرده‌اند که بن‌سلمان به انصارالله پیام داده است تا درباره شمال و جنوب یمن به توافق برسند؟ تحلیل شما در این باره چیست؟

بی‌شک هرچه وضعیت غیرمطمئن فعلی بیشتر ادامه یابد و اوضاع به ضرر عربستان پیش رود و حملات به داخل عربستان ادامه یابد، وضعیت داخلی عربستان بغرنج‌تر خواهد شد. محمد بن‌سلمان در ابتدا به همه وعده می‌داد جنگ دو ماهه تمام می‌شود اما الان بیش از چهار سال است جنگ طول کشیده است. از طرف دیگر امارات وارد معادله‌ای شده که به ضرر منافع عربستان است. بنابراین فشارها به محمد بن‌سلمان روزبه‌روز تشدید می‌شود. اگر او وارد مذاکره با انصارالله شود زیاد جای تعجب نیست، برای اینکه او به‌واسطه فشارهای همه‌جانبه داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی به دنبال مفری از این تنگناست. پرونده یمن برای محمد بن‌سلمان مثل خار در چشمی است که زخم آن روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود و در آخر می‌تواند او را از پا درآورد. عربستان هیچ‌گاه تصور نمی‌کرد جنگ به داخل خاکش کشیده شود، فرودگاه‌هایش مورد حمله قرار بگیرند و منابع حیاتی‌اش اینچنین مورد تهدید قرار بگیرند. الان عربستان به وضعیتی رسیده که سعی می‌کند به هر چیزی چنگ بزند تا خود را از مخمصه نجات دهد. البته طبیعی است به فکر خروج آبرومندانه از این وضعیت باشد. هرچه پیش آید در این شکی نیست که در راه‌حل نهایی اوضاع به سود انصارالله خواهد بود. انصارالله که تا چند سال پیش دائماً مورد ستم بودند و کسی حقشان را نمی‌داد الان در هر راه‌حلی دست برتر را دارند و کسی نمی‌تواند حقوق آنها را نادیده بگیرد، حتی اگر محمد بن‌سلمان مجبور شود دست صلح به سمتشان دراز کند.

نشست سه‌جانبه‌ای که در تهران برگزار شد، با چه هدفی انجام شده است؟ آیا نتایج این نشست‌ها در روند تحولات یمن تأثیر خواهد داشت؟

نشست تهران چیز جدیدی نیست و در ادامه دیدارهای مقامات اروپایی با انصارالله است که در خاک اروپا انجام می‌شد اما اینکه این دیدارها در خاک ایران انجام شده، اتفاق مهمی است که می‌تواند جایگاه و تأثیرگذاری ایران در پرونده یمن را بالا ببرد. اینکه سفرای اروپایی با نمایندگان انصارالله در تهران دیدار می‌کنند حاوی پیام‌های مهمی به عربستان و امارات است که هر روز از توافق آتش‌بس و پایان دادن به بحران یمن، دورتر می‌شوند. اگر این دیدارها ادامه داشته باشد و سعودی‌ها و اماراتی‌ها نمایندگانی در این مذاکرات نداشته باشند، به این معنی است که توافقی بدون تأمین منافع عربستان و امارات شکل می‌گیرد.

در پایان تحولات آتی یمن را چطور ارزیابی می‌کنید؟

تحولات یمن اکنون وارد فاز جدیدی شده اما اینکه بگوییم روند فرسایشی جنگ در حال پایان یافتن است، چشم‌اندازی برای آن دیده نمی‌شود. چند ماه پیش انصارالله و نمایندگان ائتلاف در پایتخت سوئد در آستانه توافق آتش‌بس بودند اما بعد از پایان گفت‌وگوها، با کارشکنی‌های عربستان جنگ ادامه پیدا کرد و این کشور اجازه نداد که توافقات سوئد به سرانجام برسد. اگر اتفاقات اخیر بتواند طرفین را پشت میز مذاکره بنشاند و توافق جدیدی انجام شود، می‌توان امیدوار بود که جنگ پایان می‌یابد. انصارالله در ابتدای جنگ از معادلات یمن کنار گذاشته شده بود اما الان هر طرفی که بخواهد بحران یمن را تمام کند باید منافع انصارالله را در نظر بگیرد و این جنبش حتماً در آینده سیاسی یمن وزنه قدرتمندی خواهد داشت.